

# فهرست بندی تصاویر سازدار منبعی که پیگیری روند تکامل موسیقی را از دریچمای نوامکان پذیر می‌کند

دکتر خسرو مولانا ، نگار بوبان

۸۱/۴/۲۹

تاریخ دریافت مقاله:

۸۲/۲/۶

تاریخ پذیرش نهایی:

## چکیده:

روشی که به منظور فهرست بندی و شناسه گذاری تصاویر سازدار تاریخی، بر اساس تاریخ ساخت آنها در سه سال گذشته مورد استفاده و تکامل قرار گرفته توضیح داده شده تا اهمیت چنین «مرجع تصویری» برای پژوهش های موسیقایی گذشته و مشکلاتی که سد راه آن بوده و هست مورد توجه قرار گیرد. ساختار خود روش نیز به نوعی است که به راحتی می‌توان آن را در پژوهش های موضوعی دیگر مورد استفاده قرار داد.

## واژه های کلیدی:

شناسه گذاری، فهرست بندی، تصاویر سازدار، مرجع تصویرسازی.

E-mail: kmoulana@chamran.ut.ac.ir

استادیار گروه موسیقی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

کارشناس ارشد معماری، مدرس گروه موسیقی دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران.

## مقدمه

پیکره و ...) که تصویر ساز یا نوازنده در آن باشد؛ در هیچ محل یا مرجع مشخصی قابل دسترسی و پیگیری نیست و این اولین مانع در راه تحقیق و به دست آوردن اطلاعاتی از این تصاویر است. این نقوش، که آنها را "نقوش سازدار" می نامیم، هم به لحاظ مکانی و هم به لحاظ موضوع، بسیار متنوع و پراکنده اند. به همین سبب اگر بخواهیم از تصاویر موسیقایی - یا به عبارت بهتر: از مراجع تصویری موسیقی - در پژوهش و بازیابی پیشینه این موضوع بهره ببریم، اولین گام، تهیه مرجع یا نقطه کانونی است که بر اساس آن بتوانیم به این نقوش دسترسی پیدا کنیم. بنابراین، جمع آوری این مرجع، تصویری را به شکل فهرستی از آثار مورد نظر با اطلاعات مربوط به هر اثر، در آزمایشگاه خسرو مولانا با عنوان "فهرست نقوش سازدار" آغاز کردیم.

از گذشته موسیقی ایران، کمتر اطلاع مستند و مشخصی در دست است و برای دستیابی به کم و کیف واقعی آن، تنها به دو منبع اصلی می توان اتکا کرد؛ یکی متون و رسالات کهن مربوط به موسیقی است که سیستم موسیقایی، سازها و آداب اجتماعی زمان خود را ارائه کرده اند و دیگری، تصاویری از سازها و نوازندگان است که در حکاکی ها، حجاری ها، نقوش روی سفال ها و ... و از همه مفصل تر و مهم تر در نگاره ها و در سده اخیر هم در عکس ها وجود دارد.

استفاده از متون و رسالات قدیمی، به روشی معمول و نسبتاً روشن، برای محققین میسر است. استخراج مطلب و استناد به آن با ذکر شماره خط و صفحه از نسخه خطی مشخصی در کتابخانه ای خاص، به روشنی قابل پیگیری است. اما نقوشی (اعم از حکاکی و حجاری و سفال و نگاره و عکس و

## فهرست نقوش سازدار چه محتوایی دارد؟

و مجموعه های سراسر جهان پراکنده اند و می بایست برای یافتن آنها، تک به تک بررسی و جستجو شوند.

تنها کار صورت گرفته در این زمینه که یک پایان نامه کارشناسی موسیقی است<sup>۱</sup>، در بخش بررسی ادبیات خود چنین عنوان کرده است:

"در جریان انجام یافتن این پژوهش به مکان هایی مراجعه کردم که ظن آن می رفت راجع به این موضوع (کاتالوگ کردن نگاره های ایرانی که در آنها شکل ساز وجود دارد) تحقیقاتی انجام شده باشد. از آن جمله در کتابخانه های دانشگاه الزهراء، هنر و هنرهای زیبا به جستجوی مطالبی مرتبط با موضوع پایان نامه ام بودم و کتب مختلف فارسی و غیر فارسی، مقالات و نشریات و پایان نامه های دانشجویان را از نظر گذراندیم ولی در هیچ یک اشاره ای به این امر نشده بود." بنابراین، جمع آوری "فهرست نقوش سازدار" و نگاه به آثار تصویری از دید موسیقایی، از نقطه صفر باید آغاز شود.

## ساختار این فهرست به چه صورت است؟

برای آنکه "فهرست نقوش سازدار" جمع آوری گردد، قبل از هر چیز به یک نظام مشخص برای ثبت اطلاعات نیازمندیم. نظام یا روشی که حداقل اطلاعات اولیه و لازم برای شناخت اثر را ارائه دهد و همچنین امکان بازشناسی و

در "فهرست نقوش سازدار"، تصویری از هر اثر (هر نقش، اعم از پیکره یا نگاره یا عکس یا ...) در کنار برگه ای که اطلاعات اولیه و اصلی مربوط به اثر را ارائه می کند، قرار می گیرد. این فهرست به این وسیله، اولین مرجعی است که اساساً تحقیق بر روی نقوش سازدار را امکان پذیر ساخته و به سبب مجموع کردن آنها در یک مرجع، سهولت پیگیری و همچنین استناد به تصاویر را فراهم می کند.

شاید هم بی توجهی و بی اعتنائی اعمال شده به مراجع تصویری موسیقی که می توانند اطلاعات درخور توجهی در اختیار محققین قرار دهند. تا کنون، به دلیل عدم دسترسی به چنین امکانی بوده است. این فهرست علاوه بر سامان دهی ابتدایی که ما را از آشفتگی در پراکندگی های مکانی و موضوعی آثار باز می دارد، با ارائه یک نظام مشخص در کد یا شناسه گذاری برای آدرس دادن و شناسایی اثر می تواند یک ایده کلی از هر آنچه که در عالم تصویر و تجسم به موسیقی مربوط می شود، به پژوهشگران بنمایاند.

جمع آوری و تهیه مرجع مورد نظر مترادف است با اقدام به بررسی و یافتن اصل یا تصویر هر پیکره یا نقش برجسته (روی فلز یا سنگ) یا نقاشی (در انواع آن) یا عکس که در آن هرگونه فعالیت مربوط به موسیقی (مجالس موسیقایی یا شکل ساز به تنهایی و ...) مجسم شده باشد. این جمع آوری، یک جستجوی دراز مدت خواهد بود زیرا، آثار مورد نظر در موزه ها

مراجعه دوباره را با یک آدرس دهی مشخص فراهم کند. این نظام می بایست که برای انواع آثار و برای دوره های مختلف زمانی قابل استفاده بوده، قابل تکامل نیز باشد.

به این منظور، یک فرم استاندارد برای کاتالوگ کردن آثار تهیه شد که در واقع شناسبرگ (شناسنامه) هر اثر محسوب می شود و با توجه به دو اصل تکامل پذیری و قابلیت تطبیق با انواع اثر طراحی شده است. این فرم به شکل تکاملی و هم زمان با پیشرفت مراحل اولیه جمع آوری آثار شکل گرفته و در مراحل مختلف کار، در صورت نیاز به تغییر یا اضافه کردن نکات جدید، تکمیل شده است.<sup>۲</sup> نمونه خام این فرم در آخر مقاله ارائه شده است (تصویر ۱) که در ضمن برای افراد مایل به استفاده از ایده این فرم در پژوهش های دیگر (به منظور تهیه کپی در اندازه اصلی A4) قابل استفاده است.

شناسبرگ هر اثر، باید جوا بگویی دو نیاز اصلی باشد: یکی شناسنامه (کُد) که نام هویتی آن اثر به شمار می رود و بدین وسیله می توان به آن اشاره کرد و دیگری اطلاعات پایه و اولیه از اثر که مشخصات مورد نیاز اثر اصلی را برای محقق روشن می سازد. بنابراین، قبل از هر چیز باید روشی برای کد گذاری در نظر گرفته می شد و علاوه بر آن، مشخص می شد که اطلاعات پایه ای که محقق برای شناخت اثر اصلی نیاز دارد، چه خواهد بود تا به ثبت آنها در فرم های شناسبرگ اقدام شود.

کدگذاری می بایست به روشی انجام شود که شناسه هر اثر خاص آن بوده و برای هیچ اثر دیگری تکرار نشود. این، با توجه به تنوع و تعدد آثار در دوره های تاریخی، کار چندان ساده ای نخواهد بود. اگر آثار را به روش ردیف بندی و به ترتیب زمانی که آثار به فهرست نقوش وارد می شود، شناسه گذاری کنیم، با پیشرفت کار و گسترش مجموعه، هم امکان خطا بیشتر می شود و هم اینکه کد شناسایی اثر عملاً به کار ثبت اطلاعات مربوط شده و با خود اثر اصلی کاملاً بی ارتباط خواهد شد. اگر آثار را دسته بندی کرده و شاخه های مختلف (پیکر تراشی، حکاکی، قلمزنی، نقاشی و...) را جدا از هم شناسه گذاری کنیم، ناگزیریم از حروف (و لاجرم ترکیب آن با عدد) استفاده کنیم که هم گیج کننده است و هم امکان خطا را در شناسه گذاری افزایش می دهد. بنابراین، پس از بررسی چند گزینه، روش شناسه گذاری از روی تاریخ ساخت اثر به عنوان روش بهینه انتخاب شد. به این معنی که تاریخی که اثر در آن ساخته شده است را شناسه آن قرار می دهیم. با این شیوه، علاوه بر ارتباط بین شناسه و اثر، می توان با یک نگاه، یکی از کلیدی ترین مشخصات اثر، یعنی تاریخ پیدایش آن را نیز دریافت. همچنین، وقتی مجموعه آثار را در فهرست نقوش، بر اساس شناسه ها مرتب کنیم، خود به خود روندی تاریخی در فهرست دیده خواهد شد و این به درک سیر تاریخی و تحولات و تغییرات تصاویر و اطلاعات مربوطه به

موسیقی ثبت شده در آن تصاویر کمک می کند. اضافه بر همه اینها، با استفاده از این شیوه، هر اثر را می توان مستقلاً به مجموعه وارد یا (در صورت تغییر اطلاعات) در مجموعه جابجا کرد و این امر اثری بر روی شناسه سایر آثار نخواهد گذاشت، نکته ای که ما را از فیش برداری های معمول در مراجعی از این دست بی نیاز کرده و امکان استفاده از مجموعه را در حین تکمیل آن فراهم می کند. همچنین این روش، به ما اجازه می دهد که آثار را مستقل از اینکه چه وقت به مجموعه اضافه کرده ایم، در مکان صحیح خود قرار دهیم. اما مشکل اصلی این روش این است که تاریخ ساخت اثر باید در موقع فهرست بندی مشخص باشد و همانطوری که عنقریب روشن خواهد شد، این موضوع در بسیاری از موارد به پژوهش نیاز دارد، چون تاریخ ها ابهامات زیادی دارند.

## چه نوع تقویمی باید ملاک عمل قرار گیرد؟

نوع تقویمی (قمری، شمسی یا میلادی) که باید به شناسه تبدیل کنیم، مسئله بعدی در تصمیم گیری های اولیه برای تهیه شناسبرگ بود. رسم معمول در زمینه های مختلف این است که دوران قبل از هجرت توسط تقویم میلادی بیان شوند. زمان های قبل از میلاد حضرت مسیح (ع) هم که بصورت "قبل از میلاد" جا افتاده اند. بنابراین، تکلیف شمسی یا قمری بودن نوع تقویمی که باید ملاک عمل قرار گیرد روشن است. چون نمی شود تقویمی شمسی را برای قبل از هجرت و نوعی قمری برای بعد از آن مورد استفاده قرار داد، این کار حس زمان سنجی که انسان از تقویم انتظار دارد را مختل می سازد. گذشته از این، مقصود احساسی ما انسان ها از "سال"، شمسی است نه قمری. با این وصف، آنچه که باقی می ماند این است که بعد از هجرت را هم بر اساس تقویم میلادی بیان کنیم تا کلیه شناسه ها یکدست در آیند یا اینکه از تقویم هجری شمسی خودمان استفاده کنیم؟ انتخاب ما برای دوران بعد از هجرت، تقویم هجری شمسی بود، عمدتاً به این دلیل که تاریخ گذاری در فرهنگ کنونی ما به همین صورت است و لذا، شناسه ها می توانند احساس زمانی بهتری به انسان القاء کنند. در ضمن، تبدیل حدودی این دو تقویم به یکدیگر در حد یک جمع و تفریق ساده است.

همان طوری که در پایین شکافته خواهد شد، این شناسه ها یا کدهای "تاریخ نما"، حتی المقدور با دقت روز، ماه و سال درج خواهد شد، تنها دو پسوند "م" برای میلادی و "ق.م" یا "ق.م" برای قبل از میلاد به کدهای "تاریخ نمای" مربوطه اضافه می شوند. شناسه های هجری شمسی لزومی ندارد که پسوند داشته باشند چون، تنها نوع تقویم باقیمانده خواهند بود.

اطلاع از تاریخ دقیق ساخت بسیاری از آثار ممکن

## روش شناسه گذاری

روش شناسه گذاری که مورد استفاده قرار گرفته، کارساز و از عمومیت کاربردی متنوعی برخوردار است. لذا، ساختار آن که بر تاریخ شمسی مربوط به پیدایش موضوع مورد نظر استوار است، برای سایر پژوهشگرانی که مایل باشند آن را مورد استفاده قرار دهند، توضیح داده می شود. نزدیک به سه سال است که این روش در دو زمینه مختلف استفاده شده و بنظر می رسد که مشکلات اصلی آنها مرتفع شده باشد.

ساختار عمومی شناسه همراه با تعدادی مثال که ساختار جزئی لازم برای هر یک از آنها در حین استفاده از این روش مشخص شد، در پایین عنوان شده و سپس توضیحات بیشتر ارائه خواهد شد.

است حتی به دشواری نیز میسر نشود! به همین دلیل، استخراج تاریخ ساخت، که برای شناسه گذاری و درج اثر در فهرست نقوش ضروری است، خود، نوعی پژوهش می طلبد. برای بسیاری از آثار قدیمی، تاریخ ساختی به تخمین و حدس قائل شده اند و برای برخی از آنها، تنها دوره ای از زمان، مثل نیمه ای از یک قرن یا کل آن قرن و یا هزاره ای از هزاره های پیش از میلاد، مشخص شده است. ما در شناسه گذاری اثرها تا آن اندازه که مراجع و منابع اطلاعاتی مورد استفاده ارائه دهند، دقیق خواهیم شد. دو نمونه از چنین شناسه هایی در ذیل عنوان شده اند که تصویر مربوطه آنها در آخر مقاله ارائه شده است. (تصویر ۲) مجسمه ای یافته در شوش (ساز: ۱: 175؟ قم) (تصویر ۳) برگ مینیاتور از رضا عباسی (ساز: ۹۴-۹۸۹)

## ساختار کلی سه قسمت مختلف شناسه

موضوع شناسه	ردیف: روز/ماه/سال	مبنای تقویم، که همیشه شمسی است
ساز :	yyyy/mm/dd : n	قم (برای قبل از میلاد)
عکس :		م (بعد از میلاد ولی قبل از هجرت)
یا نام هر موضوع دیگر		هش (یا بدون پسوند، یعنی بعد از هجرت)

## توضیح موردی

## مثال برای شناسه

- اولین مورد از نگاره ساز است که به دوران قبل از میلاد مربوط می شود. شناخت دقیقتر تاریخ فعلاً مقدور نیست.
- اولین موردی است که به سال های ۱۰۰۰ تا ۱۹۹۹ قبل از میلاد (یعنی: عملاً هزاره دوم) مربوط می شود. درج ردیف ۱ برای اولین مورد الزامی نیست.
- دومین مورد از نگاره ساز است که به سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۲۹۹ قبل از میلاد (یعنی عملاً قرن چهاردهم) مربوط می شود.
- اولین مورد از تصویر ساز است که به دهه ۶۲۰ تا ۶۲۹ میلادی مربوط می شود. درج اولین عدد "۱" برای اولین مورد الزامی نیست.
- اولین موردی است که در سال ۷۲۰ هجری شمسی ساخته شده. احتمالاً موارد دیگری مربوط به همین سال نیز فهرست شده اند. در غیراین صورت، عدد "۱" نوشته نمی شد.
- اولین مورد مربوط به نگاره ساز است که این تاریخ به خصوص هجری شمسی را داراست.
- اولین موردی است که بین سالهای ۸۰۴ تا ۸۰۹ هجری شمسی ساخته شده است.
- اولین موردی است که در مهرماه ۸۰۸ هجری شمسی ساخته شده است.
- سومین مورد مربوط به نگاره ساز است که بین سالهای ۹۳۵ تا ۹۴۴ هجری شمسی ساخته شده است.
- دومین مورد فهرست شده است که بین روزهای ۱۲ تا ۱۸ خرداد ۱۲۸۸ هجری شمسی بوجود آمده است.
- ساز: ۱: ؟ قم
- ساز: ??? ۱ قم
- ساز: ۲: ?? ۱۳ قم
- ساز: ۶۲؟ م
- ساز: ۱: ۷۲۰
- ساز: ۶/۲/۷۹۰ هش
- ساز: ۱: ۹-۸۰۴
- ساز: ۱: ۷/۸۰۸
- ساز: ۳: ۹۳۵-۸۴۴
- ساز: ۲: ۱۲۸۸/۳/۱۲-۱۸

ساختار شناسه‌ای که مورد استفاده قرار گرفته از دو بخش مستقل تشکیل شده است؛ یکی موضوع تحت بررسی در اثر مورد نظر و دیگری تاریخ پیدایش آن است. به عنوان مثال، حجاری تاق بستان یا یک برگ مینیاتور خاص بالقوه تاریخ‌های پیدایش معینی دارند ولی، موضوع پژوهش در هر یک از آن دو می‌تواند تنوع زیادی داشته باشد. بنابراین، بخش تاریخی شناسه جنبه هویتی اثر را مشخص کرده و بخش موضوعی آن زمینه تحت بررسی در آن را معین می‌کند و همین بخش موضوعی است که به ما اجازه می‌دهد تا نوع اطلاعات مورد نیاز پژوهشگران را، همچون فرم خام در تصویر شماره یک، دسته‌بندی کنیم. یعنی، حجاری تاق بستان یا یک برگ مینیاتور را می‌توان از دیدگاه ساز موسیقایی، لباس افراد، ابزار موجود در زمانهای خود و غیره تحت بررسی قرار داد که هر یک از آنها توجه به جنبه‌های اطلاعاتی خاص و احتمالاً متفاوتی را می‌طلبد ولی، تاریخ پیدایش اثر، شاید مهم‌ترین عنصر اطلاعاتی باشد که بین این جنبه‌های متفاوت پژوهشی مشترک است. اضافه بر این پراکندگی زمانی کارسازترین عاملی است که آثار مختلف را از یکدیگر متمایز می‌کند و به همین دلیل، بهترین "علامت مشخصه" است که می‌توان برای شناسایی نسبتاً دقیق آنها به‌کار برد.

اهمیت دیگر این روش شناسه‌گذاری وقتی مشخص می‌شود که انسان بخواهد این قبیل اطلاعات را به صورت یک بانک اطلاعاتی (Data base) در رایانه نگهداری و مورد استفاده قرار دهد. چون گذشته از سهولت‌های بسیار زیاد در امر تکمیل اطلاعات و انتقال آن به دیگران که رایانه فراهم می‌سازد، بررسی و پردازش‌های مختلف و موردنظر نیز با سرعت و دقت خیلی بیشتری امکانپذیر می‌شوند. بنابراین، عقل حکم می‌کند که انسان جمع‌آوری و فهرست‌بندی این قبیل اطلاعات را از همان ابتدای امر به صورتی انجام دهد که بتواند هرچه زودتر آنها را وارد رایانه کند. مقدمات کار برای انتقال اطلاعات و خود تصاویر سازدار به رایانه و در نهایت بر روی یک یا چند لوح فشرده (CD) آماده شده و امیدواریم که در آینده‌ای نه چندان دور این امر تحقق یابد. در ضمن باید توجه داشت که بستر انتشار بسیاری از پژوهش‌های امروزه از کتاب و مقاله به لوح فشرده تبدیل شده است. چون، نوشتار زمینه مناسبی برای ارائه پژوهش‌های نرم‌افزاری نیست و آماده‌سازی این قبیل اطلاعات تصویری - نوشتاری برای پردازش‌های بعدی، به نوبه خود یک کار پژوهشی مستقل است.

### چه نوع‌اشیایی یک اثر واحد به حساب می‌آیند؟

تعیین کردن شیئی که باید یک اثر واحد برای شناسه‌گذاری ملاک عمل قرار گیرد چندان هم سرراست نیست.

شاهنامه "شاه طهماسب" که قدری کمتر از ۲۶۰ مجلس مینیاتور دارد، در ابتدای امر یک کتاب واحد بوده ولی امروزه اوراق آن در نقاط مختلف پراکنده شده‌اند. خیلی از کتب قدیمی دیگر نیز همین سرنوشت را داشته‌اند. بنابراین، بهتر است هر یک از نقاشی‌های یک کتاب خاص، شناسه مختص به خود را داشته باشند. چرا که امکان جدا شدن آنها از یکدیگر وجود داشته و دارد. هر یک از دو حجاری موجود در طرفین تاق بستان، بعنوان مثالی دیگر، اثری واحد محسوب می‌شوند و این در حالی است که هرکدام از آنها، همچون برگ مینیاتوری از یک کتاب، تعداد زیادی تصویر ساز دارند. احتمال اینکه این دو حجاری به دلیلی و بصورتی جداگانه روانه موزه شوند غیر ممکن نیست ولی بعید به نظر می‌رسد که هر یک از آنها را تکه تکه به موزه ببرند! یکی از حجاری‌های بزرگ تخت جمشید فعلاً در موزه ایران باستان است منتهی، بصورتی یکپارچه! سه کاسه نقره‌ای از زمان ساسانیان نیز در موزه ایران باستان وجود دارد که هر یک از آنها چهار تصویر ساز یا خنیاگر در محیط خارجی خود دارند. هر یک از این سه کاسه را باید اثر واحد بحساب آورد، چون جدا کردن این چهار تصویر از یکدیگر کار سودمند یا معقولی بنظر نمی‌رسد. خلاصه اینکه، شیئی به عنوان یک اثر واحد در نظر گرفته شده که تقسیم کردن عمده‌ی آن به قطعات کوچکتر در تصور معقول ننگد.

### ساز به عنوان موضوع شناسه چه معنایی دارد؟

موضوع شناسه‌ای که به مقاله فعلی مربوط می‌شود "ساز" است. همانطوریکه قبلاً نیز اجمالاً اشاره شد، اثرهای اصلی که مبنای کار قرار گرفته‌اند از این قرار متنوع‌اند: تندیس‌های گلی یا سفالی کوچک، حجاری موزائیک، قلمکاری فلزی، بشقاب‌های نقش دار، مینیاتور، تصویر روی پارچه یا فرش، شکل در کتب موسیقی، نقاشی روی دیوار یا بوم، عکس و نهایتاً خود ساز. دیدگاهی که تا کنون برداشت می‌شود، هر یک از این نوع آثار را صرفاً به عنوان بستر یا وسیله‌ای مد نظر قرار می‌دهد که می‌تواند اطلاعاتی صرفاً تصویری، منتها با دقت‌های متفاوت در مورد سازها ارائه دهند. بنابراین، به استثنای یک مورد آخر، یعنی؛ خود ساز، اطلاعات مشترکی که در سایر موارد لازم به حساب آمده است در حد پر کردن فرم اطلاعات مربوط به اثر اصلی (نظیر فرم تصویر ۱) و ارائه تصویری از اثر اصلی می‌باشد. به عبارتی دیگر، تا اینجا کار، کلمه ساز به عنوان موضوع شناسه به معنای تصویری فیزیکی (مثل عکس) یا تصویری (مثل بقیه نگاره‌ها) از ساز بوده است. دلیل وجودی این دیدگاه هم این است که گذشته از چند استثنا، اطلاع دیگری از گذشته بدست ما نرسیده است. اما دلیلی وجود ندارد که ما هم فقط همین مقدار اطلاعات را به نسل‌های بعد منتقل کنیم. م.

می‌توانیم نمونه‌های متداولی از خود سازهای فعلی را بعنوان یک " اثر اصلی" شناسه دار کرده و کلیه مشخصات فیزیکی، اکوستیکی و نحوه ساخت (بصورت تصویری) و استفاده از آنها را به شناسبرگ آنها ضمیمه کنیم. یعنی ما باید اطلاعات امروز را به نسل‌های بعد منتقل کنیم تا آنها مجبور نباشند مثل ما، به اینگونه پژوهش‌ها در گذشته خود بپردازند. این کار در آزمایشگاه شروع شده و تعدادی از این نوع سازهای شناسه‌دار نیز ساخته شده‌اند. در ضمن، تاریخی که مبنای شناسه‌گذاری آنها قرار گرفته، تاریخ شروع و نه پایان ساخت ساز بوده است چون، مراحل ساخت و بررسی بعضی از این سازها، به دلایل مختلف، چندین سال طول کشیده است.

### ساختار شناسبرگ اثر (همچون فرم تصویر ۱):

هریک از خصوصیات حائز اهمیت اثر اصلی از دیدگاه پژوهشی در داخل کادر یا جعبه‌ای خاص در دوری شناسبرگ قرار داده شده است تا به وضوح قابل تشخیص باشند. این خصوصیات از این قرارند:

شناسه یا کد شناسایی اثر اصلی: برای اینکه در هنگام مراجعه به مجموعه آثار در فهرست نقوش، براحتمی دیده شود، در خانه سمت چپ و بالای شناسبرگ درج می‌گردد. در زیر شناسه اثر اصلی، محل نگهداری آن (شامل: موزه‌ها، کتابخانه‌ها و مجموعه‌های مختلف در سراسر جهان) ثبت می‌شود تا محقق بدانند کجا باید دنبال یافتن اصل اثر برود. البته، بعضی آثار "اصلی" مثل عکس‌های قدیمی یا تندیس‌های گلی ما قبل تاریخ، منحصر به فرد نیستند. منفی تعداد زیادی از عکس‌های قدیمی از بین رفته‌اند ولی، در عوض تعدادی عکس چاپ شده از روی همان منفی‌ها در همان زمان باقی مانده است که هریک از آنها حکم اثر اصلی را داشته و آدرس آنها باید در قوطی "محل نگهداری اثر اصلی" ثبت شود. تندیس‌های کوچک و گلی عهد عتیق نیز همین وضعیت را دارند چون، با استفاده از قالب‌های خاص تکثیر می‌شدند. تا اینجا کار، یکی از نیازها، یعنی شناسایی و آدرس‌دهی اثر را تأمین کرده‌ایم.

عملکرد دوم شناسبرگ مورد نظر، ثبت اطلاعات پایه اولیه‌ای است که برای تحقیق موسیقایی روی تصاویر لازم خواهد بود. این اطلاعات در دو بخش: ۱- " مشخصات اثر اصلی" و ۲- " تعداد و نوع ساز و خنیاگر در اثر" ثبت می‌شود.

"تعداد و نوع ساز و خنیاگر در اثر" که در زیر "محل نگهداری اثر اصلی" قرار دارد، با ارائه نام، نوع و تعداد سازها و خنیاگران که در تصویر آمده، کلید اولیه‌ای برای نگاه به مرجع تصویری ساز عرضه می‌کند. با یک بررسی و آمارگیری ابتدایی از تصاویر مربوط به دوره‌های مختلف تاریخی، می‌توان اطلاعات قابل توجهی استخراج کرد، مانند:

ظهور و روند تغییرات شکل هر ساز در دوره‌های مختلف<sup>۲</sup>، ترکیبات رایج سازها در هر دوره، در صد استفاده از سازهای مختلف در هر دوره، نحوه، محل و چگونگی استفاده از سازهای شهری بومی و امثال آن.

از بررسی‌های دیگری که با تحقیقات اولیه قابل انجام است، مقایسه نحوه ترکیب (و تعداد) سازها در گروه‌های نوازی‌های قدیمی است و همچنین پیگیری سازهایی که در زمانی بوده و در حال حاضر متروند و یا بر عکس، سازهایی که در حال حاضر وجود دارند اما در تصاویر نیستند<sup>۳</sup>.

شناسه چند نمونه از آثاری که ویژگی‌های قابل توجهی برای بررسی‌های یاد شده دارند، در این جا ارائه شده که شناسبرگ و تصویر آن در آخر مقاله عرضه می‌گردد.

تصویر ۴ (ساز: ۱: ۷۲۰)، تصویر ۵ (ساز: ۳: ۴۴-۹۳۵)، تصویر ۶ (ساز: ۲: ۲۴-۹۲۴)

در برخی موارد، تردیدهای در باب شناخت نوع ساز و یا اساساً ساز بودن یا نبودن شیئی نقش شده در تصویر وجود داشته است. در چنین مواردی هم، ما تا مرز حداکثر پیش رفته‌ایم و اثر را به فهرست نقوش وارد کرده‌ایم. (تصویر ۷).

تصویر ۷: جشن در دربار سلطان حسین میرزا (ساز: ۲: ۸۶۷) از نسخه‌ای از بوستان سعدی

از موارد دیگری که برای قرار دادن در فهرست نقوش ممکن است تردید برانگیز باشد، تصاویری است که مستقیماً به ایران مربوط نمی‌شود (اثر، ساخت ایران نیست) اما مربوط به محدوده‌ای است که با ایران در مجموعه‌ای فرهنگی قرار می‌گیرد. مانند آثار مربوط به بخش‌هایی از هندوستان (تصویر ۸).

تصویر ۸: تنبوره (عکس ساز) ۱: ۷۹-۱۱۶۹ متعلق به مهاراجه پراتاپ سینگ از جیپور.

**مشخصات اصلی اثر:** به عنوان اطلاعات اصلی مشخص کننده و خاص اثر در خانه مستطیل شکل اصلی شناسبرگ و در این عناوین ثبت می‌شود:

**نوع اثر:** آیا اثر پیکره است یا سنگ برجسته یا ظرف سفالین یا نگاره یا عکس و ...

**نام اثر:** نام خاص اثر چیست؟ مانند: مجلس جشن در دربار سلطان حسین میرزا از یک نسخه خطی بوستان سعدی.

**تاریخ ساخت اثر:** اثر اصلی در چه تاریخی ساخته شده است؟ **نام سازنده اثر:** سازنده (پیکر تراش، نگارگر، عکاس و ...) چه کسی بوده است؟ (که در بسیاری موارد نامعلوم است).

**ابعاد فیزیکی:** اندازه اثر (به سانتی متر) چقدر است؟ **مشخصات دیگری مانند سبک خاص یا مکتب هنری اثر** در پایین همین خانه از شناسبرگ، زیر عنوان مشخصات دیگر نوشته خواهد شد.

" مشخصات اصلی اثر " علاوه بر ارائه حداقل اطلاعات مربوط به اثر (مانند هر کاتالوگ اثر هنری و تاریخی)، حاوی اطلاعاتی است که در تحقیق بر نقوش سازدار کمکمان خواهد کرد. به عنوان نمونه، اگر بخواهیم سازهای رایج در منطقه ای خاص را شناسایی، دسته بندی و در طول زمان پیگیری کنیم، با استفاده از عنوان " محل ساخت اثر " و احتمالاً سبک اثر (اگر اطلاع مشخصی از سبک داشته باشیم)، سر نخ اولیه ای بدست خواهیم آورد. همچنین سازهای رایج در دوره خاصی از تاریخ را می توانیم با " تاریخ ساخت اثر " (و در نتیجه با کد شناسایی آن) پی بگیریم. " نام سازنده اثر "، علاوه بر باز کردن راه قیاس اثر با سایر آثار همان سازنده و اطرافیان، در موارد خاص می تواند با کمک گرفتن از اطلاعات تاریخی ثبت شده در متون، ما را در باز شناسی خنیاگران منقوش در تصویرها یاری کند.<sup>۵</sup> یکی دیگر از ساده ترین بررسی های قابل پیگیری در این مقوله، بررسی اجمالی انواع آثاری است که ساز در آنها نقش شده است. عکس ها، نگاره ها، سنگ برجسته ها؟ و یا پیکره ها و جامه های فلزی؟ کدامیک بخش اعظم این فهرست را به خود اختصاص می دهند و به کدام دوره متعلقند؟

البته، استخراج و ثبت این مشخصات نیاز به دقت و جستجو در مراجع و منابع مربوط به آن و گاه تطبیق برخی از منابع دارد. چه، تاکنون (که حدود ۲۰۰ اثر در فهرست نقوش سازدار ثبت شده است) به موارد زیادی برخوردیم که اطلاعات درج شده از کتب مختلف درباره یک اثر مشخص، متفاوت بوده و ما ناگزیر از نوعی تحلیل و تطبیق اطلاعات (در باب سازنده اثر، تاریخ ساخت، سبک و محل ساخت اثر) بوده ایم که از محدوده فهرست بندی صرف خارج شده و قدم به کار پژوهش گذارده است. بویژه در باب تاریخ ساخت که از همه عناوین هم مهمتر و هم پردرستر است و همانطوریکه قبلاً نیز اشاره شد کاملاً جنبه ای پژوهشی داشته است.

قسمت دیگری در نیمه پایین شناسبرگ با عنوان "اطلاعات کمکی درباره اثر" قرار داده شده که به منظور ثبت نکاتی است حاصل از مراجع و منابع مختلف که جزء مشخصات اصلی اثر نیست اما می تواند در کار بر روی آن یا به جهت

روشن ساختن اطلاعات مربوط به آن مفید باشد (مانند تصویر ۲). این نکات، با ذکر منبع در قسمت " اطلاعات کمکی " ثبت خواهد شد. تاریخ و مسئول پر کردن فرم هم، در پایین شناسبرگ نوشته می شود.

مجموع این اطلاعات، روی شناسبرگ درج شده و در کنار تصویری از اثر اصلی، جزئی از فهرست نقوش می گردد. اما در پشت این شناسبرگ هم جدولی با خانه هایی برای ثبت اطلاعات و مشخصات مرجعی (کتاب یا CD) که تصویر یا اطلاعات اثر اصلی را ارائه کرده باشد، در نظر گرفته شده است (تصویر ۹). در اینجا " نام کتاب یا "CD"، " نویسنده"، " ناشر"، " تاریخ انتشار"، " شماره استاندارد" بین المللی کتاب (ISBN) و " نام کتابخانه دارنده کتاب یا "CD" نوشته شده و با یادداشت کردن شماره صفحه (یا شماره تصاویری) که در مرجع مورد نظر، تصویر اثر اصلی را ارائه کرده اند، رنگی یا سیاه و سفید بودن تصویر و ابعاد ارائه شده آن هم درج می شود. در پایین همین جدول، خانه ای برای ذکر توضیحات منبع اطلاعات مورد بحث، اختصاص یافته است.<sup>۶</sup>

با استفاده از این فرم استاندارد، حدود ۲۰۰ نگاره و چندین عکس و نیز سنگ برجسته، پیکره و جام فلزی در فهرست نقوش سازدار به ثبت رسیده و همچنان در حال تکمیل و تکامل است. از آثار گردآوری شده در این مجموعه، تا به حال در بررسی های تاریخی چند پایان نامه موسیقی (و پژوهش هنر) بهره گرفته شده است. واضح است که این فهرست نقوش به منظور بررسی های عمیق تر و بنیادی تر تهیه شده است، بررسی هایی که به شکل بنیادی می تواند تکلیف تردیدهای عمومی را در باب اعتبار یا عدم اعتبار نقوش سازدار روشن سازد.<sup>۷</sup> برآستی وضعیت تناسب در نحوه نگرش صنعتکاران و نقاشان گذشته ما، به تناسب درونی و بیرونی اشیاء چه بوده است؟ آیا به راستی فقط به سبب تفاوت تناسبات بکار رفته در نگاره ها با تناسبات اشیاء آنچنان که به چشم انسان دیده می شود، می توان بدون بررسی واقعی، به خیال عدم تناسب، از اطلاعات نهفته در این نقوش صرف نظر کرد؟

## نتیجه

دیگر که همه از اطلاعات نهفته در درون این نقوش قابل استخراجند. از جمله اینکه می توان سازها را در شکل های قدیمی آنها و با آن تناسبات بازسازی کرد. مجموع سخن اینکه این فهرست نقوش را می توان به عنوان " مرجع تصویری موسیقی " مد نظر قرار داد.

با بهره گیری از فهرست نقوش سازدار، اساس این تناسبات و تأیید یا رد اعتبار و سندیت این تصاویر هم ممکن خواهد شد. اضافه بر تناسبات به کار گرفته در نقش، چگونگی نشستن، محل نشستن نوازندگان و نحوه گرفتن و نواختن هر ساز هم با تغییرات آن در طول تاریخ با بهره گیری از همین فهرست قابل بررسی و پیگیری خواهد بود و بسیاری مقوله های

فرم استاندارد برای ثبت هویت یک ساز یا آثار تاریخی که تصویر ساز یا خنیاگر دارند .

کد شناسایی اثر اصلی :  ساز :	<b>مشخصات اثر اصلی</b>
	نوع اثر :
	نام اثر :
محل نگهداری اثر اصلی :	تاریخ ساخت :
	محل ساخت :
	نام سازنده اثر :
تعداد و نوع ساز و خنیاگر در اثر	ابعاد فیزیکی :
تعداد ساز و خنیاگر =	مشخصات دیگر :
نوع ساز و خنیاگر :	
اطلاعات کمکی در باره اثر . منبع اطلاعات :	
تاریخ :	مسئول و تاریخ پرکردن این فرم . مسئول :

تصویر ۱ : نمونه خام فرم استاندارد . (روی فرم)

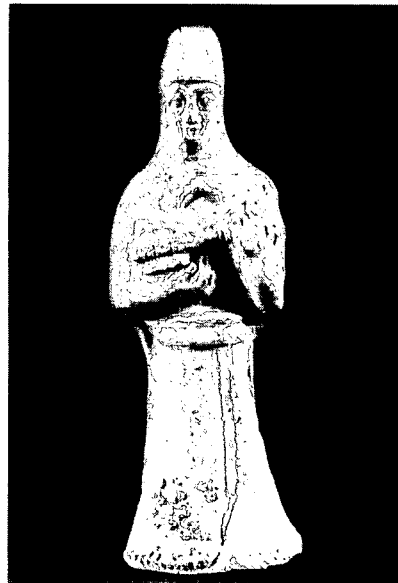


## پی‌نوشت‌ها

- ۱ باقری، بهناز. "روشی برای کدگذاری نگاره‌هایی که تصویر ساز دارند"، پایان‌نامه کارشناسی موسیقی، استاد راهنما: دکتر خسرو مولانا، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران ۱۳۷۸.
- ۲ در نمونه خام فرم (ارائه شده در این مقاله)، تاریخ‌های کنار برگه، تاریخ‌های مربوط به طراحی و تکمیل فرم را نشان می‌دهد.
- ۳ نمونه‌های اولیه‌ای از این بررسی روند تغییر شکل ساز در پایان‌نامه‌های کارشناسی موسیقی: عطایی، شهریار. محورهای پژوهش اکوستیکی تار. استاد راهنما: دکتر خسرو مولانا و فاضلی، الهام. محورهای پژوهشی اکوستیک موسیقایی نی. استاد راهنما: دکتر خسرو مولانا. گروه موسیقی دانشکده هنرهای زیبا.
- ۴ کرنای گیلان به لحاظ فرم و نحوه نوازندگی با سایر کرناها (کرنای خراسان) بسیار متفاوت است و تا بحال در هیچ یک از تصویرهای مجموعه حاضر دیده نشده است.
- ۵ اسعدی، هومان. حیات موسیقایی و علم موسیقی در دوران تیموریان از سمرقند تا هرات. پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، استاد راهنما: دکتر خسرو مولانا، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران ۱۳۸۰.
- ۶ جدول کوچکتری هم در پایین آن برای ثبت مشخصات منبع احتمالی دیگری که در مورد اثر اصلی عکس یا توضیح ارائه کرده باشد، منظور است.
- ۷ یک بررسی اولیه با اندازه‌گیری تناسب‌انسانی و مقایسه آن با تصویر انسان در نگاره‌ها، در پایان‌نامه بهناز باقری (صفحات ۴ تا ۲۲) آمده است.

فرم استاندارد برای ثبت هویت یک ساز با آثار تاریخی که تصویر ساز با عتیق دارد...

مشخصات اثر اصلی	کد شناسایی اثر اصلی:
نوع اثر: مجسمه سفالی کوچک	ساز: ۱۷۵۰ ق م
نام اثر: مرد نوازنده (سته)، پلیس و کلاه دار	محل نگهداری اثر اصلی: موزه ایران باستان، تهران
تاریخ ساخت: هزاره دوم قبل از میلاد	محل ساخت: در تشرش کشف شده است
نام سازنده اثر: نامعلوم	نام سازنده اثر: نامعلوم
ابعاد فیزیکی: ارتفاع = ۹.۲۵، عرض = ۳.۵	شماره: ۵۴۲
مشخصات دیگر: یکس از آن جهت شماره ۴۲۵۰ در ثبت بین‌المللی از تاریخ موزه ایران باستان جهت تکثیر مجوز است.	تعداد و نوع ساز و عتیق در اثر: تعداد ساز و عتیق: ۱
	نوع ساز و عتیق اثر: نوعی ساز زهی دسته دار کوتاه که کوبن است و در استان قم ساخته شده است
اطلاعات کمکی درباره اثر - منبع اطلاعات: دفتر ثبت ملی از تاریخ "ستاره" - موزه ایران باستان	
<p>دست خط خانم بهناز باقری در این اطلاعات را در فرم ۷۸ از دفتر موزه برداشت کرد.</p> <p>تعمیر شماره ۵۴۲</p> <p>مجسمه سفالی شش‌گانه استاره در حال نواختن یکی از آلات موسیقی. یک کودک کرم‌آب</p> <p>طول: ۹.۲۵، عرض: ۳.۵</p> <p>تاریخ درج‌نشده است: شوش ۴۷-۱۹۳۰ م</p> <p>دوره تاریخی ۱۷۵۰ قبل از میلاد</p> <p>ساز: سفال آتشی دست‌ساز</p>	
<p>این کرمی دارای راحتم بهناز باقری، یکی از دانش‌آموزان، در روز کشفه در ۱۳۷۸ از روی خود تدوین برداشت کرد. موزه ایران باستان از سند کشف گرفته است. گردن این کرمی به نام "کرم" در موزه ایران باستان از تاریخ موزه در فرم ۷۸ از تاریخ موزه برداشت شد.</p> <p>تاریخ: ۱۳۷۹، ۵/۲</p> <p>مسئول و تاریخ برگردن این فرم: مسئول: خسرو مولانا</p>	



تصویر ۲: (ساز: ۱۷۵۰ ق م) مجسمه‌ای یافته در شوش. این مجسمه سفالی کوچک، به هزاره دوم قبل از میلاد (حوالی ۱۷۵۰ ق م) بر می‌گردد و مرد نوازنده‌ای را با نوعی ساز زهی دسته دار رسته کوتاه نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد که این ساز استان هم دارد.

فرم استاندارد مربوط به تصویر ۲

فرم استاندارد برای ثبت هورت یک ساز با آثار تاریخی که تصویر ساز یا ختیگر دارد.

کد شناسایی اثر اصلی:	مشخصات اثر اصلی
ساز: ۹۸۹-۹۴	نوع اثر: برگ مینیاتور
محل نگهداری اثر اصلی: The Kerr Gilchrist, Hawthorn, Richmond	نام اثر: چنان در شکفت
تاریخ ساخت: ۱۹-۲۴ هجری قمری * ۱۵-۱۶ میلادی * ۹۴-۹۸۹ هجری	محل ساخت: بمبای
تعداد و نوع ساز و ختیگر در اثر	ابعاد فیزیکی: ۸ x ۱۰٫۵
تعداد ساز و ختیگر = ۲	مشخصات دیگر:
نوع ساز و ختیگر:	
نام و شماره دستبند و شماره کد ثبت شده در کتابخانه ملی (مستند)	
اطلاعات کمکی در باره اثر. منبع اطلاعات:	
مستول و تاریخ برگردن این فرم. مستول: شکار میوان. تاریخ: ۱۳۸۰، ۲۲، ۱۹	



تصویر ۲: (ساز: ۹۸۹-۹۴) یک برگ مینیاتور اثر رضا عباسی. برای تاریخ ساخت این اثر یک دوره ۵ ساله حدس زده شده است. نوازنده سه تار، به نظر می رسد در حال جابه جا کردن دستها باشد، کاری که هنوز هم در نوازندگی سه تار و تار برای مایه های مختلفه متداول است.

### فرم استاندارد مربوط به تصویر ۳

فرم استاندارد برای ثبت هورت یک ساز با آثار تاریخی که تصویر ساز یا ختیگر دارد.

کد شناسایی اثر اصلی:	مشخصات اثر اصلی
ساز: ۷۲۰ : ۱	نوع اثر: یک برگ مینیاتور از نسخه خطی
محل نگهداری اثر اصلی: J.H. Wade Collection, The Cleveland Museum of Art.	نام اثر: سوغ و جملین، سنگه راجین، آفات و سلی (در مجلد سوغ و جملین، راجین و آفات و سلی)
تاریخ ساخت: ۱۳۴۱ م - ۷۲۰ هجری - ۷۴۲ هجری	محل ساخت: شیراز
تعداد و نوع ساز و ختیگر در اثر	نام سازنده اثر: مسلم
تعداد ساز و ختیگر = ۵	ابعاد فیزیکی: ۷٫۵ x ۵ اینچ معادل ۱۲٫۷ x ۱۴٫۵ سانتیمتر
نوع ساز و ختیگر:	مشخصات دیگر: سبک شیراز
بربط و چنگ و رباب و نای و دف	داون تصویر، سلا جان نوازده جسمه شده اند. (آب و در قورچایب شده. انگاه دکم نهنیز از اصل است)
اطلاعات کمکی در باره اثر. منبع اطلاعات:	
مستول و تاریخ برگردن این فرم. مستول: شکار میوان. تاریخ: ۱۳۷۹، ۲۳	



تصویر ۴: (ساز: ۷۲۰:۱) یک برگ مینیاتور از یک نسخه خطی (جنگ علمی) که چندساز را بدون نوازنده تصویر کرده، نام آن هارا نیز به ترتیب ذکر کرده است. (بربط و چنگ و رباب و نای و دف)

### فرم استاندارد مربوط به تصویر ۴

فرم استاندارد برای ثبت حوت یک ساز با آثار تاریخی که تصویر ساز یا خنیاگر دارند.

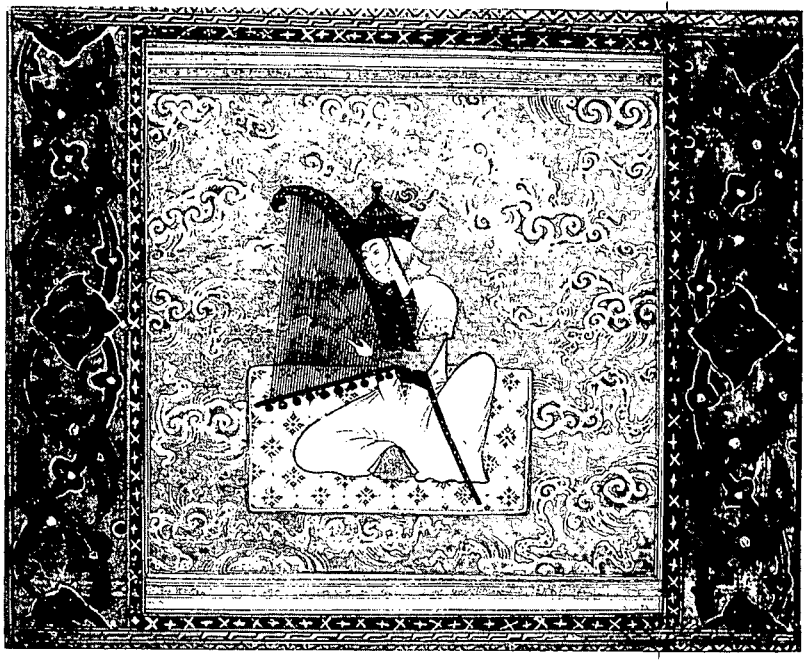
کد شناسایی اثر اصلی:	مشخصات اثر اصلی
ساز: ۳، ۴، ۹۳۵	نوع اثر: <b>بیت</b> پیانو آرزو حقیقی
محل نگهداری اثر اصلی: The Gallery of Art (no 1006) Khanan Institute, Washington D.C. + U.S.A.	نام اثر: <b>مجلس دربار خانی</b> - <b>بیت مصر</b> از <b>رضا کریم (۱۳۵۱)</b> ، نمونه سلطان المرحوم میرزا
تاریخ ساخت: ۹۳۵-۴۴ هـ ق * ۱۵۵۴-۱۵۵۵ هـ ق * ۱۹۳۵-۴۴ هـ ش	محل ساخت: <b>ایران (اصفهان)</b> <b>میرزا سرتیگر شهنشاه</b> <b>میرزا محمد تقی</b> <b>میرزا محمد تقی</b> <b>میرزا محمد تقی</b>
تعداد و نوع ساز و خنیاگر در:	نام سازنده اثر: <b>فاحلم</b>
تعداد ساز و خنیاگر = ۱۹	ایجاد فیزیکی: <b>۲۹۷۱ × ۳۹۷۵</b> (ایجاد <b>میرزا شمس</b> ، <b>میرزا محمد تقی</b> )
نوع ساز و خنیاگر:	مشخصات دیگر:
ساز: ساز پیانو، ساز ویولن، ساز ویولا، ساز کنترباس، ساز ترومپت، ساز فلوت، ساز کلارینت، ساز ساکسوفون، ساز هارمونیکا، ساز گیتار، ساز ماندولین، ساز کمانچه، ساز تنبک، ساز دایره، ساز کوبه، ساز تار، ساز سه‌تار، ساز چابک، ساز کمانچه، ساز تنبک، ساز دایره، ساز کوبه، ساز تار، ساز سه‌تار، ساز چابک	کتاب تصویر ایجاد فیزیکی: <b>۳۴۵ × ۲۳۴</b> (ساز: <b>۳</b> ، <b>۴</b> ، <b>۹۳۵</b> )
اطلاعات کمکی در باره اثر:	منبع اطلاعات: <b>مقام A و B کتاب اول ثبت سند</b> * <b>صنعت</b> ، <b>۳۹۵</b> ، <b>۳۹۵</b>
تاریخ: ۱۳۷۹، ۵، ۲۱	مستول: <b>ساز میرزا</b>



تصویر ۵: (ساز: ۳، ۴، ۹۳۵) یک مینیاتور از نسخه‌ای خطی از هفت اورنگ که تنوع چشمگیری از سازهای مختلف ارائه کرده است.

فرم استاندارد برای ثبت حوت یک ساز با آثار تاریخی که تصویر ساز یا خنیاگر دارند.

کد شناسایی اثر اصلی:	مشخصات اثر اصلی
ساز: ۲، ۳۴، ۹۲۴	نوع اثر: <b>بیت</b> پیانو آرزو حقیقی
محل نگهداری اثر اصلی: Khan Collection, Haman	نام اثر: <b>نورسختی در حال لافش</b> <b>بیت</b> از <b>سید علی</b> <b>عاشق الحظوظ</b> <b>میرزا</b>
تاریخ ساخت: ۹۲۴-۲ هـ ق * ۱۵۴۵-۱۵۵۵ هـ ق * ۱۹۲۴-۳۴ هـ ش	محل ساخت: <b>سبز</b>
تعداد و نوع ساز و خنیاگر در:	نام سازنده اثر: <b>فاحلم</b>
تعداد ساز و خنیاگر = ۱	ایجاد فیزیکی: <b>۹ × ۹، ۵</b> (ساز: <b>۲</b> )
نوع ساز و خنیاگر:	مشخصات دیگر:
ساز: <b>بیت</b>	ایجاد فیزیکی: <b>۳۲ × ۲۴</b> (ساز: <b>۲</b> ، <b>۳۴</b> )
اطلاعات کمکی در باره اثر:	منبع اطلاعات:
تاریخ: ۱۳۸۰، ۳، ۱۶	مستول: <b>ساز میرزا</b>



تصویر ۶: (ساز: ۲، ۳۴، ۹۲۴) مینیاتوری از یک نسخه خطی که فرشته‌ای را در حال نواختن چنگ نشان می‌دهد. جزئیات تصویر شده از چنگ در این تصویر بسیار چشمگیر است.

فرم استاندارد مریوط به تصویر ۶

